

# مدارس مسیونرها در ایران آغاز ارتباط ایران با اروپا

● اسفندیار معتمدی\*

## اشاره

بررسی مدارس خارجی در ایران، به‌ویژه مدارس مسیونری، به لحاظ تأثیرات و اغراض سیاسی و نفوذ فرهنگی و اهدافی که مؤسسان آن‌ها در پی داشته‌اند، برای کارشناسان و برنامه‌ریزان مهم و قابل تأمل است؛ بنابراین به لحاظ اهمیت مذکور در این شماره مقاله تاریخی مدارس مسیونرها در ایران به صورت مختصر در ذیل آورده شده است.

در سال (۸۳۲ ش/۱۴۵۳م)، مجلس سنای جمهوری ونیز تصویب کرد تا با تنظیم قراردادی با دولت ایران علیه دولت عثمانی، روابط سیاسی برقرار کند. به‌دنبال این تصویب‌نامه، نمایندگان سیاسی و بازرگانی ونیز با هدایا و کالاهای فراوان به ایران آمدند و پس از دو سال و با دریافت اهدافشان به کشورشان بازگشتند. در این زمان حکومت ایران در دست فرمانروایی آق‌یونلو، از سلسله‌های ترکمن‌نژاد شمال غربی ایران، بود که اغلب با عثمانی‌ها رقابت داشتند. «حسن بیک یا اوزون حسن»، یکی از نامدارترین فرمانروایان این سلسله بود که با امپراتوریان مسیحی طرابوزان (بندری در شمال شرقی ترکیه آسیایی) طرح دوستی ریخت و دختر او را به همسری برگزید و با جمهوری ونیز پیمان بست و از آن‌ها برای سرکوبی عثمانی‌ها کمک خواست. نخستین کمک دولت ونیز که شامل ۲۰۰ تفنگدار همراه با افسران آن‌ها و ۶۰۰ توپ و ۶۰۰ تفنگ فتیله‌ای و تعدادی تفنگ سبک بود، به‌سوی ایران روان شد (محبوبی ۱۳۷۰، ۷).

بنابراین می‌توان گفت که نخستین ارتباط رسمی ایران با کشورهای اروپایی از دوران اوزون حسن آغاز شد و عامل اصلی این ارتباط جدید میان اروپا و ایران، تهدید عمده‌ای بود که از سوی دولت عثمانی متوجه هر دو طرف بود و از سال (۸۳۲ ه.ق) که شهر قسطنطنیه (استانبول) به دست «سلطان محمد فاتح» افتاد، این تهدید بیشتر احساس شد.

\* پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت ..... motamedi17@hotmail.com

ارتباطات علمی،  
آموزشی، تجاری  
و سیاسی ایران با  
اروپا از زمان صفویه  
افزایش یافت

در برقراری ارتباط میان ایران و اروپا به‌غیراز مقابله با عثمانی‌ها، عوامل دیگری مؤثر بود:

۱. ایران، پل ارتباطی میان آسیا و اروپا بود و ابریشم، قالی، پارچه و مروارید به اروپا صادر می‌کرد و سود می‌برد.

۲. در ایران، گروهی مسیحی بودند و روابط مذهبی، آن‌ها را با مراکز مسیحی اروپا پیوند می‌داد.

۳. در جامعه‌های اروپایی، هنر، علوم و صنایع تجدید حیات یافته و آثاری در زندگی فردی و اجتماعی مردم ظاهر شده بود و پادشاهان ایران انگیزه قوی برای ارتباط با اروپا داشتند تا از این دستاوردها استفاده کنند.

۴. کشورهای اروپایی در پی یافتن بازارهای فروش کالاهای خود و تهیه مواد اولیه و گسترش مناطق استعماری خود بودند.

«از دوره صفوی، مناسبات ایران با اروپا آغاز می‌شود و به تدریج دو تمدن، یکی تمدن بی‌رق و از حال‌رفته ایران و دیگری تمدن تازه‌جان، مدعی، طلبکار، توسعه‌طلب و استعمارگر اروپا است؛ این ارتباط در دوره زندگی که دوران روبه‌زوال دوران صفوی است، افزایش می‌یابد و با نفوذ اروپا به خلیج فارس بیشتر می‌شود» (جعفریان ۱۳۷۹)

ارتباطات علمی، آموزشی، تجاری و سیاسی ایران با اروپا از زمان صفویه افزایش یافت. سفیران و جهانگردان اروپایی در انتقال علوم جدید پیش‌قدم بودند. در زمان «سلطان محمد خدابنده صفوی»، نایب‌السلطنه هند پرتقال، به فرمان فیلیپ دوم، پادشاه اسپانیایی که بر پرتقال هم سلطنت می‌کرد، سفیری به ایران فرستاد. این سفیر کشیشی بود به نام «پرسیمون مورالیس» که فارسی می‌دانست. سلطان محمد او را به گرمی پذیرفت و دستور داد که به پسرش «حمزه میرزا» درس ریاضی و نجوم بدهد. بدیهی است که علمای آن روز ایران، از نظر ریاضی و نجوم بی‌اطلاع نبودند... این نخستین قدمی است که در راه تعلیم و ترویج علوم اروپایی در ایران برداشته شده و از آن اطلاعی در دست است (محبوبی ۱۳۷۱: ۱۹).

شاه عباس چند تن از ایرانیان را به ایتالیا فرستاد تا از شهرهای ونیز و میلان برایش متخصصان و هنرمندان مختلف بفرستند... «شاه از هنرمندان بیگانه کار زیاد توقع ندارد، بلکه می‌خواهد هنر خویش را به ایرانیان بیاموزند. به همین نظر همیشه دسته‌ای از کودکان و جوانان ایرانی را در اختیارشان می‌گذارد تا به هنرهای گوناگون آشنا سازند و به هر کدام که زودتر هنرمند گردند، جایزه‌ای کلان می‌دهد» (فلسفی ۱۳۶۴: ۱۳۳۲).

در دوره افشاریه و زنده، اوضاع جامعه ایران آن‌چنان آرام نبود که سازندگی آغاز شود اما در زمان قاجاریه به‌ویژه پس از جنگ‌های ایران و روس، نیاز جامعه به نوسازی بیشتر شد و شرایطی به‌خصوص در زمان محمدشاه به وجود آمد که تأسیس مدارس جدید آغاز شد و رونق گرفت.

تأسیس مدارس  
خارجی در ایران  
ضمن آنکه وسیله‌ای  
برای انتقال علوم و  
فنون جدید بود و  
توانست اندیشه‌های  
جدید را در ایران به  
وجود آورد

پیشگام و صاحب قدم اصلی تأسیس مدارس جدید در ایران در ابتدا میسیونرهای خارجی آمریکایی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و... و به‌دنبال آن اقلیت‌های مذهبی ارمنی، یهودی و زرتشتی بودند.

تأسیس مدارس خارجی در ایران ضمن آنکه وسیله‌ای برای انتقال علوم و فنون جدید بود و توانست اندیشه‌های جدید را در ایران به وجود آورد و سبب تحول جامعه شود، همواره عاملی بسیار مهم از نظر نفوذ فرهنگ غربی در ایران شد و هدف‌های استعماری را نیز به‌دنبال داشت.

## ■ مدارس میسیونرها در ایران

### ● مدارس آمریکایی در ایران.....



از اوایل قرن سیزدهم هجری شمسی کلیساهای امریکا مبلغینی (میسیونرهایی) را برای تبلیغ به ایران و دیگر کشورها فرستادند. نخستین میسیونر آمریکایی که برای تبلیغ آیین پروتستان به ایران آمد، ج. ل. مریک<sup>۱</sup> بود که در سال ۱۲۱۱ش، به ایران آمد. این فرد و هیئت همراهش به تهران، اصفهان و شیراز سفر کردند و در برگشت خود گزارشی از ایران تهیه کردند.

1. J.L. Merrick

مسیونریهای  
آمریکایی ابتدا  
هرگونه تبلیغ  
مذهبی را انکار و  
اعلام می‌کردند که  
برای اصلاح آمده‌اند

این گزارش و گزارش‌های دیگری که گروه‌های بعدی از عیسویان آذربایجانی و آسوری‌های مقیم ارومیه به امریکا فرستادند سبب شد که میسیونری برای تبلیغ مسیحیت به میان آسوری‌های ایران فرستاده شود. برای این کار جوستین پرکینز، دکتر آساهر گرانته به همراه همسران خود کشیش هاس، بانو بلیس، استودارد، دوشیزه مایر و چند خدمتگزار و کشیش ماریوهانا به‌عنوان مترجم و راهنما به ایران آمدند.

پرکینز و گرانته برای آموختن زبان آسوری ۲ سال در تبریز ماندند و سپس به ارومیه رفتند و مورد استقبال مسیحیان و ملک‌قاسم میرزا (حکمران ارومیه) قرار گرفتند و این گروه در این شهر به ساختن کلیسا، چاپخانه، بیمارستان و مدرسه پرداختند.

چاپخانه همراه با یک متخصص به نام «ادوارد بریت» در روز ۱۷ آبان ۱۲۱۹ ش، وارد ارومیه شد و نخستین کتابی که در این چاپخانه چاپ شد. کتاب «در پیرامون لزوم قلب جدید» نام داشت که همان شعارهای میسیونریهای مسیحی بود. شاید نخستین روزنامه مداوم به زبان آسوری و به نام «زراری باهرا» یا «اشعه نور» در همین چاپخانه چاپ می‌شد که حتی به سوریه و ترکیه هم فرستاده می‌شد. تا حدود سال ۱۲۸۰ ش، ۶۰۰ کتاب و جزوه، ۳۶۰۰ اعلامیه و در کل ۵۱۰/۰۰۰ صفحه مطلب در این چاپخانه چاپ و منتشر شد. (صلاحی، ۱۳۸۲، ۱۲۲)

خدمات پزشکی این گروه جالب بود. پزشکان این گروه علاوه بر طبابت در محل مطب خود و یا در خانه بیماران در سال ۱۲۵۷ ش، باغی به‌مساحت ۱۵ هکتار را در ارومیه خریدند و بیمارستانی با یک‌صد تخت‌خواب مخصوص آقایان با دو سالن عمومی برای بیماری‌های غیرواگیر و پنج اتاق کوچک برای بیماری‌های واگیردار ساختند. این بیمارستان را که به «وست مینیستر» معروف شد شاید بتوانان را مجهزترین بیمارستان آن زمان ایران به‌شمار آورد. در این بیمارستان ۷۰ بیماری مداوا و معالجه می‌شدند. (صلاحی، ۱۳۸۲، ۱۲۳) این گروه در تهران، تبریز و همدان به تأسیس بیمارستان و ارائه خدمات پزشکی دست زدند.

مسیونریهای آمریکایی ابتدا هرگونه تبلیغ مذهبی را انکار و اعلام می‌کردند که برای اصلاح آمده‌اند. آن‌ها در ارومیه، تبریز، تهران، همدان، رشت، سلماس، ملایر و مراغه مدارسی برپا کردند که نمونه‌ای از آن‌ها به این شرح است:

۱. **مدرسه پرکینز ارومیه.** این مدرسه در سال ۱۲۵۵ ق، به‌وسیله دکتر پرکینز شروع به کار کرد. این مدرسه که نخستین آموزشگاه به سبک جدید در ایران است با وسایلی که مؤسس ساخته بود و با ۷ نفر دانش‌آموز شروع به کار کرد و بعد از یک سال به ۳۰ نفر دانش‌آموز رسید. وقتی ملک‌قاسم میرزا و کامران میرزا از این مدرسه دیدن کردند، اظهار رضایت نمودند و درخواست کردند که دومین مدرسه را در روستای «آدا» تأسیس کنند.

مدرسه پرکینز فاقد هرگونه کتاب و قلم و تخته سیاه بود. برای آموزش دانش‌آموزان از ماسه که در داخل جعبه ریخته بودند و با انگشت روی آن‌ها می‌نوشتند، استفاده می‌شد. برنامه مدرسه در سال اول از قرار زیر بود:

قرائت ۲ ساعت، نوشتن روی ماسه و آموختن حساب به‌وسیله چرتکه ۲ ساعت، قرائت کتاب مقدس به زبان آسوری ۲ ساعت، آموزش انگلیسی به سالمندان ۲ ساعت، در این مدرسه علاوه بر دروس فوق‌قالی‌بافی، نجاری و آهنگری نیز تدریس می‌شد. مخارج تحصیل و زندگی دانش‌آموزان را مدرسه می‌پرداخت.

این مدرسه با مخالفت عده‌ای از اهالی مواجه شد. حتی مسیحیان کاتولیک مخالفت می‌کردند، از این‌رو پرکینز برای آنکه اساس و بنیان مدرسه خود را تحکیم بخشد توسط ملک‌قاسم میرزا که عموی محمدشاه بود فرمان زیر را از پادشاه دریافت کرد و قدرت یافت. «السلطان بن السلطان محمدشاه غازی؛ آنکه عالیجاه و فطانت همراه، فراست و کیاست انتباه، شهامت و [...]، زبدة العلماء المسلمین و عمدة الفضلاء العیسویین مستر پرکینز به توجهات بیکران خاطر خطیر اقدس شاهنشاهی مفتخر و متناهی بوده بدانند که از قراری که عم اکرم افخم ملک‌قاسم میرزا به عرض اقدس همایون شهرباری رسانیده آن عالیجاه بشوق و میل خود در بلده ارومیه مدرسه‌ای ترتیب و تعلیم جوانان و نشر علوم می‌باشد و این معنی باعث ظهور التفات و مراحم شاهنشاه درباره آن عالیجاه گشته بخصوص وفور مرحمت

تصویر منسوب به  
محمدشاه قاجار



او را بصدر این همایون منشور عنایت دستور قرین عز و افتخار فرمودیم. می‌باید آن عالیجاه در تربیت و تکمیل جوانان زیاده از بیشتر اهتمام و اجتهاد به عمل آورده. علم تاریخ و جغرافیا و هندسه و حساب به آن‌ها آخوتنه از ظهر این خدمت خود را مشمول عواطف و عوارض و احساسات شاهانه سازد و در عهده شناسند.»

(تحریر فی ۲۷ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۵۵)

این مدرسه تا سال ۱۳۱۲ ش. به مدت ۹۸ سال دایر بود. نظر به اینکه تعدادی از دانش‌آموزان از روستاهای مجاور می‌آمدند و جاده‌ها مناسب و وسایل نقلیه موجود نبود، پرکینز چند اتاق از مدرسه را به این کودکان اختصاص داده بود و به‌صورت شبانه‌روزی از آن‌ها مواظبت می‌کرد. (صلاحی، ۱۳۸۲، ۱۲۳)

۲. مدرسه دخترانه گرانت ۱۲۱۷ نخستین مدرسه دخترانه را خانم گرانت همسر دکتر گرانت در ارومیه تأسیس کرد.

جیمز باست و هیئت همراه در نزدیکی دروازه قزوین تهران مدرسه‌ای را تأسیس کردند که یکی از مهم‌ترین مدارس کشور شد

پرکینز در مورد این مدرسه چنین اظهار نظر کرده است: «تا این سال (۱۲۱۸ش) حتی یک زبان آسوری سواد خواندن و نوشتن نداشت. ولی اکنون خانواده‌ها با میل و رغبت دختران خود را به مدرسه می‌فرستند.» در مدارس پرکینز و گرانت دوره تحصیل ۵ سال بود و شاگردان انگلیسی، فارسی، ترکی، حساب، تاریخ، جغرافیا و بعدها زبان سریانی می‌آموختند.

**۳. مدرسه عالی طب.** در سال ۱۲۵۷ش، «دکتر کاکران» از میسیونرهای آمریکایی به دلیل نبود پزشک و وجود بیماران فراوان تصمیم گرفت که مدرسه‌ای برای تربیت پزشک برای ایران دائر کند. از این رو باغی به مساحت ۱۵ هکتار در جنوب غربی شهر ارومیه در کنار رودخانه شهر چای در محلی باصفا خریداری کرد. این ساختمان در ۱۲۶۱ش، پایان یافت و اثاثیه لازم از امریکا وارد شد و کار تحصیل دانشجویان در سطح مطلوبی ادامه یافت. کاکران دانشجویان مستعد را برای آموزش پزشکی می‌پذیرفت. پس از ۵ سال تحصیل عملی و نظری در بیمارستان و گذراندن امتحان به آن‌ها اجازه طبابت می‌داد. این مدرسه شبانه‌روزی بود و شهریه از دانش‌آموزان دریافت می‌شد. استادان آن‌ها علاوه بر کاکران، دکتر رایت، دکتر هلمز، دکتر نون نوردن و دکتر میلر بودند.

فارغ‌التحصیلان این مدرسه ۲۸ نفر مرد و یک زن بودند که در ۵ دوره ۵ ساله فارغ‌التحصیل شده و از اداره معارف پروانه طبابت گرفتند. (صلاحی، ۱۳۸۲، ۱۲۸)

**۴. مدرسه کالج آمریکایی (دبیرستان البرز کنونی).** در روز ششم ماه مارس ۱۸۷۳م (۱۲۵۱ش) جیمز باست و هیئت همراه در نزدیکی دروازه قزوین تهران مدرسه‌ای را تأسیس کردند که یکی از مهم‌ترین مدارس کشور شد و هزاران پزشک و مهندس و استاد تحصیلات متوسطه خود را در آنجا گذراندند.

نخستین معلمی که در این مدرسه استخدام شد فردی به نام لازار بود که با ۱۰ نفر شاگرد کار خود را آغاز کرد و روز به روز بر اعتبار مدرسه افزوده شد. در سال ۱۲۶۶ش، شخصی به نام ساموئل وارد برای تصدی میسیون فرهنگی از امریکا به تهران آمد و در همین سال کلنگ بنای مدرسه در شمال تهران به دست ناصرالدین شاه بر زمین زده شد و ساختمان بزرگی بنا شد که خانواده ساموئل در طبقه دوم جای گرفت و طبقه اول به شبانه‌روزی اختصاص یافت.

در سال دوم تأسیس ۴۰ نفر برای شبانه‌روزی و ۲۰ نفر برای روزانه ثبت‌نام کردند و ساموئل به‌غیر از معلمان میسیون آمریکایی ۴ نفر معلم ایرانی را نیز به استخدام درآورد. در این مدرسه دانش‌آموزان مسلمان هم با اجازه و تقاضانامه کتبی والدین خود به تحصیل پرداخته و تعدادی از آن‌ها به‌طور رایگان پذیرفته شدند.

دوره تحصیل در مدرسه ۷ سال بود. این مدرسه کتابخانه‌ای داشت که در زمانی که مسئولیت آن با آمریکایی‌ها بود بالغ بر ۲۵۰۰۰ جلد داشت و در سال ۱۳۲۶ ش به ۱۵ هزار جلد رسید.

در سال ۱۲۷۷ ش، دکتر ساموئل از ایران به آمریکا رفت و به‌جای او دکتر «س.م. جردن» همراه همسرش برای اداره مدرسه کالج به ایران آمد. در سال ۱۲۹۲ محل فعلی دبیرستان کالج توسط آمریکایی‌ها خریداری شد و با مخارج «روستن آمریکایی» و با مهندسی «مارکوف» و معماری «استاد حسین معمار» به مدت سه سال از ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۷ ش، ساختمان دبیرستان و خانه‌ای برای جردن ساخته شد و کلاس‌های دبیرستان از محل قدیم (خیابان جمهوری خیابان نوبهار در سمت راست کلیسا) به این ساختمان منتقل شد.

دکتر جردن برای ساختن این بنا همچون کارگران کار می‌کرد. مدرسه دارای ۳ زمین فوتبال و چند زمین برای والیبال و استخری برای شنا بود.

در ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۳ چهارمین جشن فارغ‌التحصیلی کالج آمریکایی تهران برگزار شد و در این مراسم کفیل وزارت معارف «علی‌اصغر حکمت» چنین گفت:

«مدرسه آمریکایی زودتر از همه مدارس خارجی و بهتر از همه پروگرام معارف را اجرا کرده و از این گذشته دارای خصائصی است که در مدارس دیگر کمتر دیده می‌شود. یکی از اینکه در ادبیات پیشرفت زیادی کرده‌اند و از ۲۵ سال پیش انجمنی به نام «فردوسی» داشته‌اند و دیگر قسمت ورزش است که در این مدرسه به آن اهمیت مخصوصی داده می‌شود». (صلاحی، ۱۳۸۲، ۱۴۳)

«عمارت علوم با پول یک خانم آمریکایی به نام دوشیزه هاروی مورس و هزینه ساختمان اصلی توسط آقای زل استون ساخته شد. آزمایشگاه شیمی مدرسه که در عمارت علوم تشکیل می‌شد توسط آقای گِرمی اداره می‌شد، تمام دروس دبیرستان غیر از فارسی و عربی به زبان انگلیسی تدریس می‌شد» (به نقل از شادروان زین‌العابدین مؤتمن از فارغ‌التحصیلان کالج آمریکایی (از اول ابتدایی تا آخر متوسطه) که به مدت ۴۲ سال در این مدرسه تدریس می‌کرد).

در سال ۱۳۱۹ ش، زمین و ساختمان مدرسه توسط دولت ایرانی خریداری شد و کلیه امور دبیرستان و شبانه‌روزی به دست ایرانیان افتاد و مدیریت آن تغییر کرد. پیش از این دکتر جردن به مدت ۴۱ سال مدیر این مدرسه بود تا آنکه وحیدالملک جای او را گرفت. در سال‌های بعد منیع‌الملک پرتوی و دکتر صورتگر مدیر مدرسه شدند تا آنکه از سال ۱۳۲۲ تا سال ۱۳۵۷ شادروان دکتر محمدعلی مجتهدی مدیریت مدرسه را بر عهده گرفت. او با نظمی خاص مدرسه را با ۵۰۰۰ نفر دانش‌آموز و ۲۰۰ نفر معلم اداره کرد و زمانی که ریاست دانشگاه صنعتی شریف کنونی به او واگذار شد این مسئولیت بزرگ را به شرط آنکه



مدرسه البرز

مدرسه البرز را نیز مدیریت کند پذیرفت و توانست در مدت کم بهترین استادان را که اکثراً فارغ‌التحصیل مدرسه البرز بودند برای تدریس در دانشگاه به ایران دعوت کند و دانشگاه را به راه اندازد.

### دکتر سمیوئیل مارتین جردن (۱۸۷۱ - ۱۹۵۲)

دکتر جردن یک مبلغ مسیحی و مربی آمریکایی بود که مدت ۴۳ سال از عمر خود را در ایران گذرانید و در تعلیم و تربیت فرزندان کوشید و نام خود را در ایران جاودانه کرد. او در ایالت پنسیلوانیا به دنیا آمد و در کالج لافایت و دانشگاه پرینستون تحصیل کرد و به تدریس وعظ و تبلیغ پرداخت. او در سال ۱۲۷۶ش، از هیئت مبلغین پرسیتبری تقاضای خدمت کرد و در سال بعد کشیش کلیسای پرسیتبری شد و با مری پارک ازدواج کرد و با همسرش به عنوان مبلغ به ایران آمد.

در سال ۱۲۷۸ش، به ریاست مدرسه متوسطه آمریکایی تهران برگزیده شد و مدرسه به زودی توسعه یافت و به نام کالج آمریکایی معروف شد. در ۱۲۹۲ش، به محل فعلی واقع در خیابان انقلاب اسلامی، چهارراه کالج منتقل شد و تا سال ۱۳۱۹ش، که وزارت فرهنگ ایران اداره مدرسه را برعهده گرفت، رئیس آن بود و در سال ۱۳۲۰ش، بازنشسته شد.

«جردن» شخصیتی جذاب داشت و در ۱۲۹۵ش، کالج لافایت درجه دکتری الهیات و در ۱۳۱۴ش، کالج واشینگتن و جفرسون درجه دکتری در حقوق را به وی اعطا کردند. او با همکاری همسرش در طی اقامت طولانی خود در ایران، خدمات مهم و عمیقی در پیشرفت تعلیم و تربیت کرد و به قول یکی از نویسندگان آمریکایی، اگرچه اغلب آمریکایی‌ها نام او را هم نشنیده‌اند، در ایران هیچ‌گاه فراموش نخواهد شد. وزارت فرهنگ به پاس خدماتش، در ۱۲۹۹ش، مدال و نشان درجه دوم علمی و در ۱۳۱۹ش، مدال و نشان درجه اول علمی به وی اعطا نمود. در سال ۱۳۲۳ که دگربار به ایران آمد، یکی از تالارهای دبیرستان البرز

اوژن بوره در تبریز  
تصمیم گرفت  
تا دارالفنون  
در تبریز دایر کند و  
علوم جدید را به  
زبان فرانسوی به  
دانشجویان بیاموزد

را به افتخار وی به «تالار جردن» موسوم کردند و در سال ۱۳۳۱ مجسمه نیم‌تنه‌ای از وی در این تالار برپا کردند که ظاهراً یگانه مجسمه یک مبلغ مسیحی است که در یک مملکت اسلامی برپا شده است در تهران هم خیابانی به نام جردن نام‌گذاری شد.

**۵. مدرسه دخترانه آمریکایی تهران.** این مدرسه در سال ۱۲۵۳ش، در خانه‌ای نزدیک کلیسای ارمنیان تهران تأسیس شد و در سال بعد به محل جدیدی نزدیک باغشاه منتقل شد و به صورت شبانه‌روزی درآمد. تمامی مخارج دانش‌آموزان اعم از تحصیل، خوراک و پوشاک در سال‌های نخستین مدرسه شبانه‌روزی رایگان بود. ناصرالدین‌شاه پس از بازدید از این مدرسه وعده داد که سالانه ۱۰۰ تومان به بودجهٔ مدرسه کمک شود که این مساعدت تا چند سالی بیشتر ادامه نداشت. در سال ۱۲۸۲ش، چون دانش‌آموزان کفش‌های پاشنه‌بلند و دامن می‌پوشیدند مظفرالدین‌شاه دستور داد تا دختران مسلمان مدرسه را ترک کنند و دانش‌آموزان چنین کردند.

این مدرسه که آن را می‌توان شعبه دخترانه دبیرستان البرز نامید بعداً به دبیرستان نوربخش تغییر نام داد و در سال ۱۳۱۹ش، تحویل ایران شد. (صلاحی، ۱۳۸۲، ۱۲۶)

#### ● مدارس فرانسوی.....

پس از ورود میسیون‌های آمریکایی به ایران (۱۲۱۱ش) لازاریست‌های فرانسوی که گروهی از مسیحیان کاتولیک هستند و مؤسس آن سن دوپل (۱۶۶۰-۱۵۱۸م) کشیش فرانسوی بود، مبلغینی برای تبلیغ دین خود به اطراف جهان فرستادند. در اردیبهشت سال ۱۲۱۷ش، سه نفر کشیش لازاریست به نام‌های کلوزل، دارنیس و فورنیه به طرف سلماس به راه افتادند و قبل از اینکه به خسروآباد از توابع سلماس برسند، اوژن بوره در سن ۲۸ سالگی در سال ۱۲۱۶ش، از طرف وزارت فرهنگ فرانسه و به پیشنهاد «گیزو» وزیر امور خارج و مورخ معروف و به خرج دولت در رأس یک هیئت علمی به ایران آمد تا زبان‌های خارجی خود را کامل‌تر کند. سرانجام در اردیبهشت ۱۲۱۷ش، وارد شهر تبریز مرکز آذربایجان شد. (صلاحی، ۱۳۸۲، ۱۵۶)

اوژن بوره همراه خود یک کشیش کاتولیک به نام «گآبه اسکافی» را برای آشنا کردن با وضع مسیحیان ارمنستان، آذربایجان و کردستان، با خود به ایران آورد و به این ترتیب لازاریست‌های فرانسوی به ایران وارد شدند.

پس از مدتی که اوژن بوره در تبریز تصمیم گرفت تا دارالفنون در تبریز دایر کند و علوم جدید را به زبان فرانسوی به دانشجویان، از هر ملت و مذهب، بیاموزد. او با استفاده از حمایت شاهزاده قهرمان میرزا که والی وقت آذربایجان و برادر محمدشاه قاجار بود مدرسه‌ای در سال ۱۲۱۷ش، در تبریز تأسیس کرد و در همان اوان به قدری داوطلب زیاد

بود که بوره نتوانست تمام آن‌ها را بپذیرد. تمام مخارج این مدرسه را بوره از طرف دولت متبوع خود می‌پرداخت. پیشرفت او به قدری سریع بود که مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه به او وعده داد که پسر خود را برای آموختن زبان فرانسه به او بسپارد.

بعد از مدت‌ها بوره شنید که دولت فرانسه هیاتی را به‌عنوان سفارت فوق‌العاده جهت برقراری روابط سیاسی و جلب حمایت دولت ایران نسبت به عیسویان کاتولیک روانه ایران کرده و رفیقش سکافی نیز با ایشان همراه است. این هیئت در تیرماه ۱۲۱۸ش، به تبریز رسید و چون محمدشاه در این زمان در اصفهان بود به آن شهر رفتند و حمایت محمدشاه را نسبت به عیسویان کاتولیک جلب کردند.

در پناه همین آزادی بود که بوره در جلفا [اصفهان] مدرسه‌ای نظیر مدرسه‌ای که در تبریز درست کرده بود ایجاد نمود و اطفال مسلمان و کاتولیک و ارامنه را در آنجا به تعلیم پذیرفت. مأموریت و دوره فعالیت بوره چند ماه بعد در ایران پایان یافت و به بیت‌المقدس رفت.

مسیویان کاتولیک و لازاریست‌های فرانسوی پس از استقرار در ارومیه، تبریز، اصفهان و تهران به فعالیت‌های پزشکی و بهداشتی و انتشار مطبوعات و چاپ کتاب و تأسیس مدرسه و تدریس زبان فرانسه دست زدند.

## زبان فرانسه

قبل از تدریس زبان فرانسه توسط مبلغین فرانسوی، این زبان در زمان فتح‌علی‌شاه نیز تدریس می‌شد. دلیل یادگیری زبان فرانسه این بود که روزی نامه‌ای از طرف ناپلئون به دربار ایران رسید و چون کسی توانایی خواندن نامه را نداشت یکی از ارامنه داوطلب شد تا نامه را به بغداد برده و ترجمه کند. وقتی این خبر را میرزا مسعود فرزند میرزا عبدالرحیم شنید به نزد مبلغین فرانسوی رفت و زبان فرانسه آموخت و به دستگاه عباس میرزا راه یافت و منشی‌گری آنجا را بر عهده گرفت.

### ● مدارس ارومیه.....

لازاریست‌های فرانسوی پس از دریافت فرمان آزادی فعالیت‌های مذهبی، به شهر ارومیه و از آنجا به خسروآباد که تمام ساکنان آن مسیحی و بیشتر کاتولیک بودند رفتند و به انواع فعالیت‌های فرهنگی دست زدند. آن‌ها در سال ۱۲۵۳ش، در شهر ارومیه و روستاهای اطراف آن ۲۷ مدرسه پسرانه و دخترانه داشتند. در این مدارس زبان فرانسه، تعلیمات دینی و مختصری هم زبان فارسی به کودکان می‌آموختند. هریک از روستاهای ارومیه در این دوره ۲ یا ۳ مدرسه داشت و شاگردان در کلاس‌های بالاتر دروسی مانند انگلیسی، حساب، مقدمات جبر و هندسه، فیزیک، شیمی، علوم طبیعی، تاریخ و جغرافی و حتی دوره‌های ویژه دفترداری نیز در مدارس می‌خواندند.

مدرسه ایانس  
توانست چندین  
مدرسه شهر  
را از نظر مالی  
زیرپوشش خود قرار  
دهد. از آن جمله  
مدرسه رشدیه،  
مدرسه لقمانیه و  
مدرسه سعادت

فعالیت‌های لازاریست‌ها همچنان روزافزون بود به طوری که در سال ۱۲۹۲ ش حدود ۲۰۰۰ کاتولیک در منطقه ارومیه و سلماس زندگی می‌کردند و مدارس مهم آن‌ها عبارت بود از:

- ارومیه: ۳ مدرسه با ۱۷ معلم و ۳۷۵ شاگرد
- روستاهای ارومیه: ۴۸ مدرسه با ۹۳۳ شاگرد
- خسروآباد: ۱ مدرسه تربیت کشیش با ۱۱ شاگرد و ۲ مدرسه با ۱۵ معلم و ۳۸۵ شاگرد و یک یانسون
- روستاهای خسروآباد: ۱ مدرسه با ۲۷۵ شاگرد. (صلاحی، ۱۳۸۲، ۱۶۲)

### ● مدارس تبریز.....

لازاریست‌های فرانسوی در تبریز موفق به تأسیس این مدارس شدند:

۱. دارالعلم شناسایی ملل، اوژن بوره در ۱۳۱۸ش، در شهر تبریز اقدام به تأسیس این مدرسه کرد. این مدرسه که مورد حمایت مهدعلیا، مادر ناصرالدین‌شاه، و قهرمان میرزا حاکم آذربایجان بود با ۱۴ نفر دانش‌آموز کار خود را آغاز کرد. اوژن بوره با کمک دانش‌آموزان توانست نخستین واژه‌نامه فرانسوی فارسی را تدوین کند و نسخه زرکوب آن را برای محمدشاه بفرستد. بوره علوم مختلفی مانند هندسه، ریاضیات، تاریخ، جغرافیا، فلسفه، فیزیک را در مدرسه راه‌اندازی کرد. در اواخر ۱۲۱۹ش، این مدرسه ۳۰ نفر دانش‌آموز داشت. (همان)

۲. مدرسه ایانس تبریز. مدرسه ایانس تبریز در سال ۱۲۸۱ش، برای ادامه تحصیل مسیحی‌ها و مسلمانان در تبریز تشکیل شد. اما پیش از آن مدرسه دخترانه سن ونسان دوپل در ۱۲۴۲، مدرسه سن مانتیسن در ۱۲۶۹ش، مدرسه خواهران نیکوکار در ۱۲۶۹ش، مدرسه انوشیروان در ۱۲۷۲ش، مدرسه مالاوال در ۱۲۸۹ش.

مدرسه ایانس با ۷۶ نفر شاگرد شروع به کار کرد و سال‌به‌سال بر تعداد شاگردانش افزوده شد و توانست چندین مدرسه شهر را از نظر مالی زیرپوشش خود قرار دهد. از آن جمله مدرسه رشدیه، مدرسه لقمانیه و مدرسه سعادت. مدرسه ایانس تبریز به آزادی خواهان و مشروطه طلبان کمک می‌کردند زیرا از شاگردان این مدرسه برای ترجمه متون خارجی و بیانیه‌های سیاسی و چاپ آن در روزنامه‌های تبریز کمک و یاری می‌گرفتند. مدارس ایانس از جمله مدرسه ایانس تبریز بر اثر رویدادهای مشروطیت و جنگ‌های داخلی در امان نماند، به غارت رفت و برخی از افراد نیز کشته شدند. تعداد دانش‌آموزان ایانس در سال ۱۲۹۱ش، ۹۵۵ نفر بود که ۵۳۰ نفر آن‌ها مسلمان بودند. در سال ۱۲۹۲ش، فرانسویان در ایران ۷۶ مدرسه داشتند که بیش از ۳۰۰۰ نفر دانش‌آموز در آن تحصیل می‌کردند و زبانی که معلمان با آن تدریس می‌کردند منحصرأ فرانسه بود. (صلاحی، ۱۳۸۲، ۱۷۱ و ۱۷۲)

## ● مدارس تهران.....

در سال ۱۲۳۹ش، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به پیشنهاد «کنت دو گوینو» سفیر در ایران طرحی برای ایجاد «خانه و مدرسه لازاریست» در تهران تهیه و با کوشش‌های او مدرسه پسرانه تهران با نام «مدرسه هیئت کشیشی کاتولیک» تشکیل شد که بعد از چند سال به «مدرسه سن لویی» تغییر نام داد.

۱. **مدرسه سن لویی.** این مدرسه در سال ۱۲۴۱ش، با ۱۵ نفر دانش‌آموز در تهران تشکیل شد که نیمی از آن‌ها شاگردان مسلمان بودند. در سال ۱۲۸۹ش، تعداد دانش‌آموزان به ۳۵۹ نفر رسید و به‌صورت بزرگ‌ترین مدرسه در تهران درآمد. این مدرسه از سال ۱۲۹۲ش علاوه بر دوره ابتدایی دارای دوره متوسطه بود. دروس متوسطه این مدرسه با برنامه دوره اول متوسطه دولتی تدریس می‌شد و عبارت بود از فارسی، عربی، تاریخ و جغرافیای ایران. لازم به توضیح است که تا دوره پهلوی برنامه مدارس لازاریست‌ها دروسی همچون حساب، جبر، هندسه، علوم، مدیریت، فیزیک، شیمی، تاریخ، جغرافیا، فلسفه و موسیقی مذهبی بود... مدرسه متوسطه «سن لویی» با توجه به تنگنای مالی دارای لایرتوار بسیار مناسب بود و از طرف دولت ماهیانه مبلغ ۲۰۰ تومان کمک‌هزینه دریافت می‌کرد.

۲. **مدرسه ژاندارک.** این مدرسه در سال ۱۲۴۴ش، توسط راهبه‌های سن ونسان دوپل در حوالی دروازه دولت تهران تأسیس شد. طبق آمار وزارت معارف در سال ۱۳۰۶ تعداد شاگردان این مدرسه ۳۰۵ نفر دختر و تعداد معلمان ۳۳ نفر بوده است که از بین شاگردان ۶۵ نفر رایگان تحصیل می‌کرده‌اند. در این مدرسه صبح‌ها به زبان فرانسه و بعد از ظهرها به زبان فارسی تدریس می‌شد و تعداد شاگردان آن در ۱۳۱۵ش، تقریباً ۱۰۰۰ نفر بود که در کلاس اول تا دهم تحصیل می‌کردند.

۳. **مدرسه سن ژوزف.** این مدرسه توسط راهبه‌های سن ونسان دوپل در سال ۱۲۵۹ش در اطراف میدان قزوین تهران تشکیل شد. «خانم دیولافوا» باستان‌شناس و عکاس فرانسوی که در سالش ۱۲۶۰ به اتفاق شوهرش به ایران آمده بود درباره این مدرسه می‌نویسد:

«چند سالی است که این خواهران در تهران کلیسا و مدرسه‌ای دایر کرده‌اند و به تربیت کودکان چند خانواده اروپایی که در تهران اقامت دارند پرداخته‌اند. عده زیادی از دختران ارمنی به مدرسه آن‌ها می‌روند و عده بسیار قلیلی از مسلمانان هم اطفال خود را تحت پرستاری خواهران قرار داده‌اند، به این شرط که در عقیده و مذهب آنان دخالت نکنند. دختران در این مدرسه خواندن و نوشتن و خیاطی و اطوکنشی و خانه‌داری می‌آموزند... زنان اندرون شاهی هم گاهی این

دختران را می‌پذیرند و مساعدتی به آن‌ها می‌کنند. شاه هم سالیانه هزار و پانصد فرانک به آن‌ها اعانه می‌دهد و روی هم‌رفته اوضاع مالی میسیون بد نیست.» (صلاحی، ۱۳۸۲، ۱۷۹)

۴. **مدرسه آلیانس تهران.** این مدرسه در زمان ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۶۹ به ریاست دکتر فوریه شروع به کار کرد. دکتر فوریه به فعالیت‌های علمی علاقه‌مند بود و در زمانی مدرسه سپهسالار (مدرسه مطهری کنونی) را می‌ساختند با استفاده از ارتفاع کتیبه بلند بالای آن، آزمایش معروف پاندول فوکو را در آنجا انجام داد. همین آزمایش را با استفاده از مقصوره مسجد شاه تهران تکرار کرد. (راهنما، ۱۳۱۷، ص ۹)

پس از ۹ سال که از کار مدرسه می‌گذشت دکتر شنیدر پزشک مخصوص مظفرالدین‌شاه که ریاست انجمن منطقه‌ای آلیانس فرانسه در ایران را بر عهده داشت، انجمن را به ساختن یک باب مدرسه تشویق کرد و این کار صورت گرفت و مدرسه سال‌به‌سال رونق بیشتری یافت.

در سال ۱۲۸۹ش، تعداد شاگردان مدرسه به ۲۱۵ نفر رسید و تمامی دانش‌آموزان به‌غیر از ۴ یا ۵ نفر کلیمی و چند نفر ارمنی همه مسلمان بودند. مدرسه دارای ۶ کلاس بود که غیر از زبان فرانسه دروس دیگری مانند ریاضی، فیزیک، شیمی، جغرافی، انگلیسی نیز در آنجا تدریس می‌شد. درآمد سالانه مدرسه ۱۸۰۰۰ فرانک و هزینه‌های آن بالغ بر ۲۰/۰۰۰ فرانک و برای تأمین کسری بودجه خود مراسمی مانند نمایش و موسیقی اجرا می‌کردند.

در سال ۱۲۷۵ش یک مدرسه عالی به نام «مدرسه عالی آلیانس تهران» تأسیس شد که برنامه آن عبارت بود از: تاریخ، جغرافیا و علوم و زبان سریانی کهن و نو برای کلدانیان، زبان ارمنی برای ارمنیان، زبان‌های فرانسه، فارسی و لاتین.

علاوه بر مدارس نامبرده مدرسه ریشارخان (تأسیس ۱۲۸۵ش) مدرسه حقوق (تأسیس ۱۳۰۰ش) و مدرسه ماته به‌وسیله فرانسوی‌ها در ایران دایر شد.

## ● مدارس اصفهان.....

۱. **مدرسه بوره.** اوژن بوره در سال ۱۲۱۹ش، مدرسه‌ای در اصفهان تأسیس کرد که شعبه‌ای از مدرسه تبریز بود. اوژن فلاندن، جهانگرد و دانشمند فرانسوی که در زمان محمدشاه در این سال به ایران آمده بود از آن مدرسه دیدن کرد و نوشته است که «تعداد زیادی دانش‌آموز داشت که در میانشان نه‌تنها ارمنی کاتولیک و شیماطیک بلکه دانش‌آموز مسلمان هم دیده می‌شد. در این مدرسه یک روحانی ایرانی درس فقه اسلامی و یک پادری عیسوی درس فقه مسیحی می‌دادند.»

فرانسوی‌ها در  
رشت، بروجرد،  
بوشهر، خرمشهر،  
سنه کردستان و  
نقده مدرسی  
دایر کردند

۲. **مدرسه راهبه‌های سن ونسان دوپل.** این مدرسه در سال ۱۲۴۲ش، پس از مدرسه اروکیه به همین نام در جلفای اصفهان تأسیس شد. در همین سال ناصرالدین شاه فرمان داد کتاب‌های کتابخانه‌ای که در دوره صفویه توسط پادری‌های ژرژوئیت تهیه شده بود به لازاریست‌های فرانسوی داده شود. پیش از آن کلیسا و باغ‌هایی هم بود که محمدشاه با ۱۵۰۰ جلد کتاب به لازاریست‌های فرانسوی بخشید.

۳. **مدرسه دخترانه کاتولیک‌ها.** این مدرسه توسط هیئت کاتولیک‌های فرانسوی در جلفای اصفهان با ۱۱۵ نفر شاگرد کار خود را شروع کرد و بعدها به مدرسه رودابه تغییر نام داد. مدرسه روزانه دارای دبستان و دبیرستان بود و ساختمان مجهزی برای آن در خیابان شیخ بهایی اصفهان بنا شده بود. این مجموعه تا سال ۱۳۵۷ش، دایر بود. مدرسه پسرانه کاتولیک جلفا این مدرسه شعبه‌ای از مدرسه «ستاره صبح» بود و تا سال ۱۳۱۱ش، به کار خود ادامه داد. (صلاحی، ۱۳۸۲، ۱۸۲ تا ۱۸۶)

دیگر مدارس فرانسوی در اصفهان عبارت بودند از: مدرسه پسرانه لازاریست‌های اصفهان، تأسیس ۱۲۵۴ش، مدرسه دخترانه لازاریست‌های اصفهان، تأسیس ۱۲۵۴ش، مدرسه ستاره صبح، تأسیس ۱۲۸۹.

فرانسوی‌ها در رشت، بروجرد، بوشهر، خرمشهر، سنه کردستان و نقده مدرسی دایر کردند و در بوشهر اردوگاهی داشتند که مخصوص پسران بود و گنجایش نگهداری ۱۵۰ پسر را در ساحل دریای خزر داشت.

### ● مدارس آلمانی.....

در سال ۱۱۹۴ ش انجمنی به منظور تبلیغ دین مسیح در شهر بازل در کشور سوئیس توسط کشیشی به نام کریشیان گوتلیب بلومهارت که اهل اشتوتگارت بود تأسیس شد. میسیونرهای بازل که برای تبلیغ مسیحیت به ایران آمدند بیشتر اهل آلمان بودند و زمانی کار خود را شروع کردند که این کشور نیاز شدیدی به دانش غرب داشت. در سال ۱۲۰۸ چند نفر آلمانی به نام‌های ویتریج، زارمبا و هاس در شهرهای شوش و تبریز مدرسی تأسیس کردند، اما موفقیت چندانی نداشتند.

۱. **مدرسه جوانان ارمنی.** در سال ۱۲۱۲ش، هاس در شهر تبریز مدرسه کوچکی برای جوانان ارمنی تأسیس کرد. تعداد دانش‌آموزان این مدرسه که انگلیسی و فرانسه می‌آموختند در سال ۱۲۱۳ ش به ۵۰ نفر رسید. این مدرسه در سال ۱۲۱۴ش، به دلیل شیوع بیماری طاعون و وبا تعطیل شد.

۲. **مدرسه آلمانی پطروس** در سال ۱۲۸۶ش، بین دولت ایران و آلمان قرارداد فرهنگی به امضا رسید که طی آن آلمانی‌ها یک مدرسه آلمانی تأسیس کنند. آلمانی‌ها در

دبیرستان ادب،  
قدیمی ترین  
مؤسسه آموزشی  
اصفهان است که  
همواره با داشتن  
مدیران لایق  
بهترین دبیران  
اصفهان در آنجا  
تدریس کرده‌اند

۱۲۸۸ش ساختمان جدیدی در خیابان قوام السلطنه ساختند و به کار پرداختند. نام این مدرسه در شروع کار «مدرسه آلمانی» بود، در سال ۱۲۹۲ «دبیرستان عالی ایران و آلمان» و بعدها «مدرسه صنعتی» شد.

### ● مدارس انگلیسی.....

نخستین کشیشان کلیسای پرتستان انگلیسی که برای تبلیغ و آموزش به ایران آمدند دو نفر بودند که در سال ۱۲۶۴ش به ارومیه رسیدند و در سال ۱۲۷۹ش چهار نفر شدند و توانستند چهار مدرسه پسرانه بنا کنند. دو مدرسه در شهر ارومیه و دو مدرسه در روستاهای آن. آن‌ها توانستند مدرسه‌ای برای تربیت مربی و افراد روحانی تأسیس کنند و به تدریج تعداد آن‌ها افزایش یافت به طوری که میسیونرهای انگلیسی جمعاً ۷۲ مدرسه روستایی در ترکیه و ایران داشتند که جمع معلمان آن‌ها ۱۵۰۰ نفر بود.

۱. دبیرستان ادب اصفهان. دکتر بروس یکی از مأموران انگلیسی بود که در سال ۱۲۵۰ش در راه سفر به هندوستان با قحطی اصفهان مواجه شد و از رفتن به هندوستان صرف نظر کرد و مدرسه‌ای در جلفای اصفهان دایر کرد. پس از او اسقف استیورت در سال ۱۲۷۳ش، مدرسه را از جلفا به شهر و به خانه امین الشریعه منتقل کرد. این اسقف در مدت ۱۷ سال مدرسه را اداره کرد تا سال ۱۲۹۰ش، به انگلیس رفت و فوت شد. در سال ۱۲۹۲ش، ساختمان مدرسه در محل فعلی آن (شهدای ادب) ساخته و مدرسه به نام استیورت مموریان کالج نامیده شد. این مدرسه در سال ۱۳۱۹ش هم زمان با دیگر مدارس خارجی به وزارت فرهنگ منتقل و به نام دبیرستان ادب نامیده شد.

دبیرستان ادب. قدیمی ترین مؤسسه آموزشی اصفهان است که همواره با داشتن مدیران لایق بهترین دبیران اصفهان در آنجا تدریس کرده و توانسته‌اند مستعدترین دانش آموزان را انتخاب کنند و بیشترین تلاش را برای آموزش آن‌ها اعمال نمایند. مدیران این مدرسه پس از رؤسای کالج عبارت بودند از: منصور منصوری، بدرالدین کتابی، حسین عریضی، ابراهیم هورفر، حسین مصاحبی، رضا سیدالاسلامی، تقی بهدادفر، حسام قاضی، حسین علی بهدادفر، مجید عاملیان، ناصر منوچهری و ...

۲. دبیرستان بهشت آیین. مدرسه دوشیزگان در سال ۱۲۷۹ش، به وسیله هیئت مرسلین انگلیسی جنب کلیسای حضرت لوقا تأسیس شد. برنامه این مدرسه شبیه برنامه مدارس انگلیسی بود و در هفته ۴ ساعت هم درس فارسی داشتند. مدیر و معلمان این مدرسه تا سال ۱۳۰۶ش، انگلیسی بودند تا آنکه در این سال خانمی به نام میس آیدین که مادرش ایرلندی و پدرش ایرانی ارمنی بود به مدیریت مدرسه برگزیده شد. او در سال ۱۳۰۷ش، موفق به خرید زمین قبلی مدرسه به مساحت

حدود ۲۰/۰۰۰ مترمربع شد و مدرسه را در سال ۱۳۱۱ش، به این محل منتقل کرد و آن را به صورت یک مجتمع آموزشی از کودکستان تا آخر دبیرستان درآورد. در سال ۱۳۱۳ش، نخستین دانش‌آموزان دختر اصفهان از این مدرسه دیپلم متوسطه گرفتند و این تنها مدرسه‌ای بود که در اصفهان تا پایان تحصیلات متوسطه داشت. در سال ۱۳۱۹ش، مدرسه بهشت آیین به مالکیت دولت درآمد و تا سال ۱۳۳۱ش، میس آیدین مدیریت آن را بر عهده داشت. در سال ۱۳۷۹ش، آیین نکوداشت این مدرسه برگزار و یادنامه یکصدمین سال تأسیس آن منتشر شد (عسکرانی، ۱۳۹۸، ۱۱۵ و ۱۱۶).

### کتاب‌نامه

۱. جعفریان، رسول. ۱۳۷۹. مقالات تاریخی، تهران: انتشارات نیل.
۲. راهنمای دانشگاه تهران. ۱۳۱۷-۱۳۱۸. تهران: نشر از طرف اداره آموزش عالی و دبیرخانه دانشگاه تهران، فصل ۴.
۳. صلاحی، پرویز و مهری دسناس. ۱۳۸۲. تاریخ مدارس خارجی در ایران، تهران: انتشارات آوای نور.
۴. عسکرانی، محمدرضا. ۱۳۹۸. فرهنگ و فرهنگیان اصفهان، اصفهان: انتشارات چشمه آفرینش.
۵. فلسفی، نصرالله. ۱۳۶۴. زندگانی شاه عباس، جلد اول. انتشارات علمی، چاپ پنجم.
۶. قاسمی پویا، اقبال. ۱۳۷۷. مدارس جدید در دوره قاجاریه، باتیان و پیشروان، مرکز نشر دانشگاهی.
۷. محبوبی اردکانی، حسین. ۱۳۷۰. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید، جلد اول، دانشگاه تهران.
۸. معتمدی، اسفندیار. ۱۳۸۸. تاریخ علم در ایران، جلد سوم، نشر مهاجر، چاپ اول.
۹. معتمدی، اسفندیار. ۱۳۹۰. تاریخ آموزش فیزیک در ایران، تهران: نشر لوح زرین.